

دریاب خیابانی

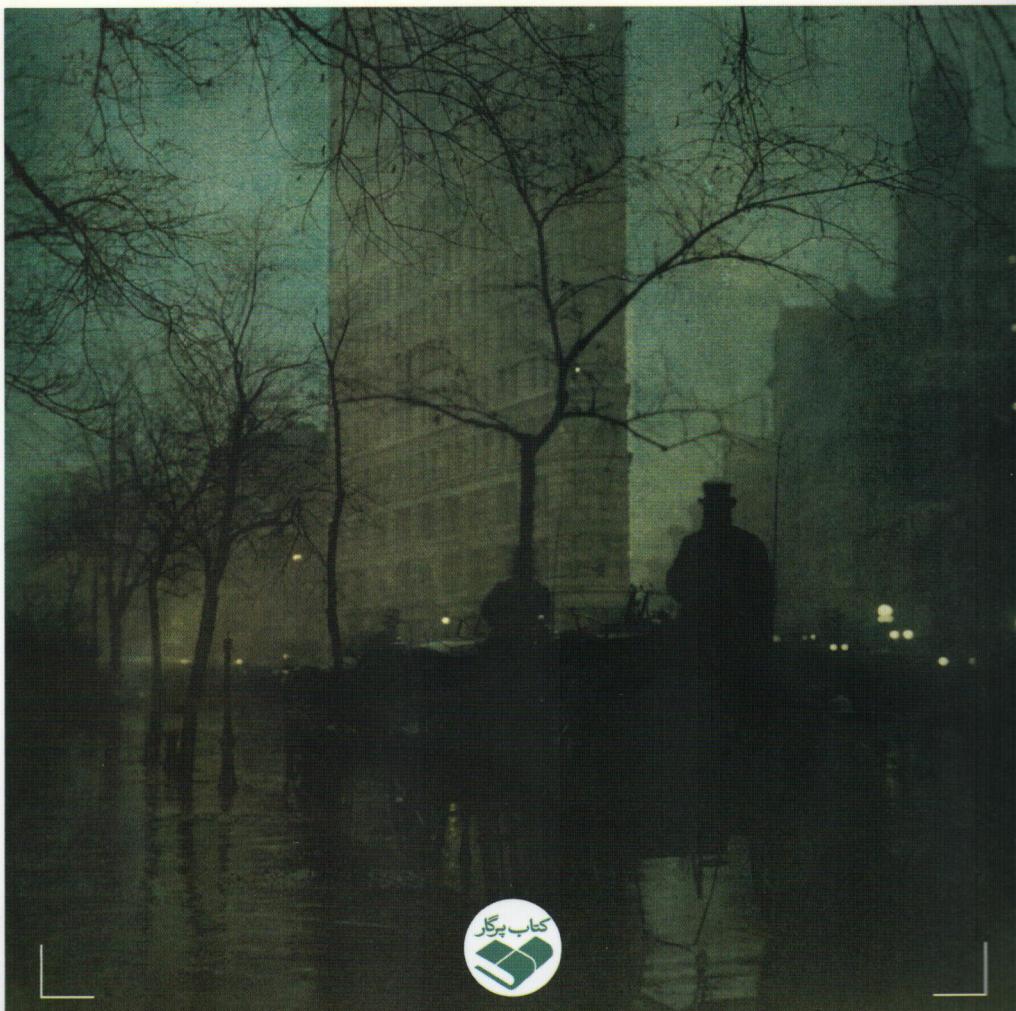
و تصویر شاعرانه

الکس وب، ریکانوریس وب | طلیعه عابدزاده

• جامعه/ عکاس

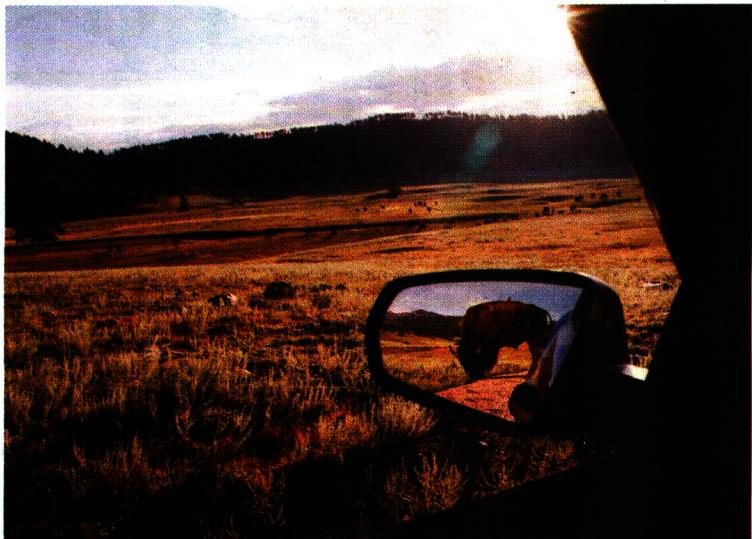
Alex Webb | Rebecca Norris Webb

ON STREET PHOTOGRAPHY AND POETIC IMAGE



فهرست مطالب

۶۰	در باب تنش خلاقانه	۷	مقدمه به قلم تجو کول
۶۲	لبه	۱۲	مرد نایین و اتوبوس
۶۴	گم شده در استانبول	۱۴	اولین عکس
۶۶	خواندن چشم انداز	۱۶	چشم دوربین
۶۸	رمان ها به مثابه راهنمای	۱۸	در جست و جوی عکس ها
۷۰	دل مشغولی	۲۰	غیر مستقیم بگویید
۷۴	هنر شکست	۲۲	قدم زدن و منتظر ماندن
۷۷	در باب ته زنگ	۲۶	در باره آبی
۷۹	در باب نوشتہ ها و تصاویر	۲۸	تصویر تابناک
۸۱	سمفونی و سونات	۳۰	رنگ هیجان است
۸۳	خرد بازنگری	۳۲	لطف دیگران
۸۴	آن جا بودن	۳۴	سرزمین های ناشناخته
۸۶	در باب همکاری	۳۶	تناقض میتیارد
۹۰	نور مثل یک پرندۀ	۳۹	خواب سفر می بینم
۹۲	زمان به مثابه ویرایشگر	۴۲	قباب های شلوغ
۹۴	چشم نکته بین	۴۴	استعارة غیرمنتظره
۹۶	راز زندگی	۴۶	جایی که رودخانه جاده می شود
۹۸	ترجیع بصری	۴۸	اشبه اهات به مثابه نقشه راه
۱۰۰	سوال کردن	۵۰	گم شده و فقدان
۱۰۳	زنگی کردن و مردن	۵۲	نیک بختی
۱۰۶	پایان به مثابه آغاز	۵۴	سایه های متزکر
۱۱۰	در پایان روز	۵۸	بُز کوهی



مرد نابینا و اتوبوس

یکبار، دنیس جانسون، شاعر و داستان‌نویس، روند شعرسرازی خود را برایم شرح داد. سال‌ها پیش، او در بیابانی در حاشیه فینیکس زندگی می‌کرد. هر روز، مردی نایینا در حالیکه عصایش را به این‌ور و آن‌ور می‌زد به ایستگاه اتوبوس محل می‌آمد. وقتی اتوبوسی می‌رسید، هیچ وقت از راننده درباره مقصد چیزی نمی‌پرسید. هر اتوبوسی که از راه می‌رسید فقط سوار می‌شد.

برای دنیس این همان شعر بود. برای من این داستان جنبه‌ای از عکاسی را نمایان می‌کند که مهم‌ترین وجه مشترک کار من با کارهای ربکا، همسر و همکار خلاقم، است. اگرچه ما در نگاه به مسائل شیوه‌های متفاوتی داریم، هر دو از جان‌ودل این ایده را می‌پذیریم که عکاسی و نشانه‌گذاری مانند سفری خلاقانه است؛ سفری که نه منطقی بلکه شهودی است، نه برنامه‌بازی شده بلکه خودانگیخته است.

جهان در این سفرِ دوگانه همکار ما است: سفری رو به درون و خود و سفری رو به بیرون و به سوی جهان. برای من عکاسی در هائیتی به طور مستقیم به کارهای رنگی انجامید. در هائیتی انگار رنگ‌های سیر در فرهنگ تغیید شده بودند. جهان زنده و پرهرج و مرج هائیتی، برخلاف خموشی خاکستری - قهقهه‌ای گذشته من در نیوانگلند، من رانه فقط در مقام عکاس که به عنوان انسان نیز تغییر داد.

ریکانوریس و وب
REBECCA NORRIS WEBB
آینه عقب، ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱



سفر خلاقانه ریکا که از شعر شروع شده است جهان طبیعی‌ای را که معمولاً از آن عکس می‌گیرد، از جمله غرب آمریکا که در آن بزرگ شده است. و در عین حال چشم‌انداز درونی خود او را ترسیم می‌کند. ریکا برای نوشتن کتاب‌هایش شیوه منحصر به‌فردی دارد: گویی چشم‌های شاعر او کتاب‌ها را هدایت می‌کند و روزبه روز نوشته‌های پرشور و عکس‌های او بیشتر در هم تنیده می‌شوند. گاهی، کارها و سفرهای خلاقانه ما با هم تلاقی می‌کنند. این موضوع در کتاب‌ها و نمایشگاه‌های مشترکمان بیشتر عیان است، اما در کارگاه‌های نیز می‌توان آن را دید. مادر کارگاه‌ها سعی می‌کنیم تجربه این روش کارکردن، یعنی جهان به‌متابه همکار، را بادیگران در میان بگذاریم. این کتاب بازنای تلاش‌ها و همکاری‌های مادر قالب نوعی دونوازی، یا پوینت / کانترپوینت. جلو و عقب رفتن بین دو دیدگاه مرتبط و در عین حال متمایزان است، طوری که من بیشتر بر جهان عکاسی خیابانی تمرکز می‌کنم و ریکا بیشتر بر جهان تصویر شاعرانه. در آخر، باور داریم که اگر به عکاسی تان ایمان داشته باشید، درنهایت، سوار هر اتوبوسی که شده باشید، عکاسی شما را به جایی می‌برد که باید.

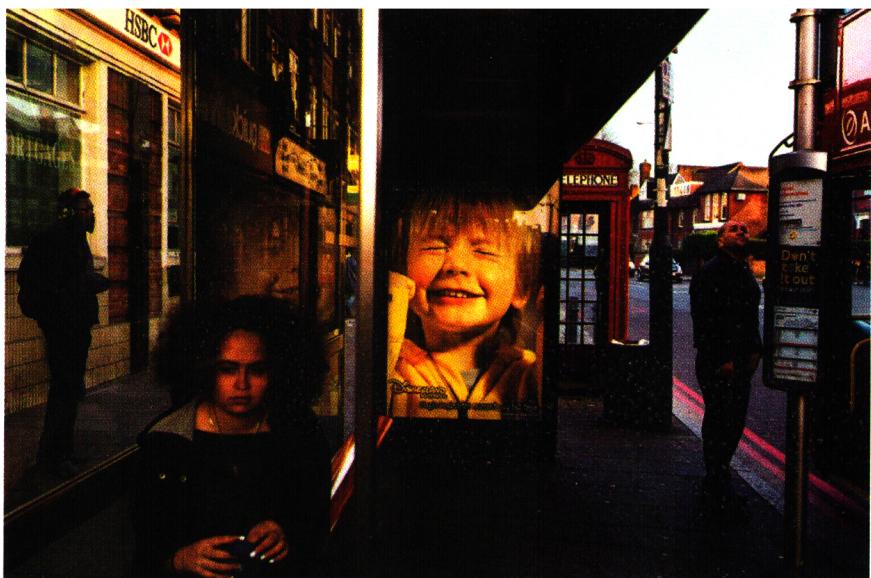
الکس و ب

الکس و ب
ALEX WEBB
هawaan, ۲۰۰۱

اولین عکس

وقتی از آدم‌ها در خیابان عکس می‌گیرم - چه در لندن، چه در استانبول، مادرید، هوانا، اوکساکا، سئول، یا نیویورک که محل زندگی من است - اولین باری که دکمه شاتر را فشار می‌دهم، انگار دارم سؤالی را می‌پرسم: آیا می‌توانم عکس بگیرم؟ و دومین بار: می‌توانم عکس دیگری بگیرم؟ و بعد دیگری ...

الکس و ب



الكس وب
ALEX WEBB
شرق لندن، ٢٠١٠